



اقدامات تبیینی حضرت زهرا علیها السلام (بخش دوم)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، بَارِيِ
الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ
الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، حَبِيبِنَا وَحَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي
الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ
الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ، وَلَا سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَاللَّعْنُ
الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. انشالله ثوابی از
این مجلس نورانی به روح همه‌ی گذشتگان و اسیران خاک
از این جمع برسد، هدیه به محضر بانوی دو عالم فاطمه‌ی
زهرا علیها السلام صلواتی ختم بفرمایید.



امشب عرایضی که خدمت عزیزان در جلسه ارائه
می‌دهم ادامه‌ی مباحث شب گذشته است یعنی کُنش‌ها
و اقدامات روشنگرانه و تبیین کننده‌ی حضرت زهرا علیها السلام در

راستای دفاع از حقانیت امیرالمومنین علیه السلام بر امر ولایت. سه مورد از این اقدامات را جلسه‌ی قبل عرض کردیم؛ یکی خطبه‌ای بود که حضرت در مسجدالنبی خطاب به خلفا و مردم ایراد کردند که معروف است به خطبه‌ی فدکیه. دومین حرکت این بود که چهل شب همراه با امیرالمومنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام به درِ خانه‌ی مردم مدینه رفتند تا برای امیرالمومنین بیعت بگیرند. سومین حرکت هم، استفاده از سلاح اشک و گریه برای اثرگذاری بر عواطف و احساسات مردم مدینه بود. حضرت هم در جهت اقناع فکر و اندیشه‌ی مردم کار کردند و هم در جهت برانگیختن احساسات آنها. اما امشب به چند مورد دیگر از اقدامات تبیینی حضرت زهرا علیها السلام اشاره خواهیم کرد.

۱- گفتگوهای حضرت زهرا علیها السلام

در مجموع چهار سخنرانی از آن حضرت نقل شده است: دو خطبه که یکی مربوط به ماجرای فدک که در شب‌های گذشته آن را توضیح دادیم و دیگری مربوط به زنان مدینه می‌شود و دو گفتگو هم که یکی با محمود بن لُبَید است که بر سر مزار شهدای احد اتفاق افتاده است. محمود بن لبید می‌گوید که چند روزی بود میدیدم که حضرت زهرا علیها السلام به سر قبر حضرت حمزه و حضرت جعفر می‌آیند و شدیداً گریه می‌کنند. این گریه‌ها به حدی مرا سوزاند که رشته‌های قلبم



را پاره می‌کرد. می‌گوید رفتهم جلو و سوالاتی را از حضرت پرسیدم. آنچه که از این گفتگو نقل شده سندی است بر حقانیت و برتری امیرالمومنین برای ولایت و رهبری جامعه.^۱ از همین فرصت‌ها هم حضرت زهرا با استناد به سخنانی که پیغمبر خدا درباره‌ی امیرالمومنین فرموده بودند و آنچه در روز غدیر گذشته بود، تعیین جانشین توسط پیامبر برای بعد از رحلت شان و همچنین غاصب بودن جریان نفاق را اثبات می‌کردند. عَلمَ جهاد در دستان فاطمه‌ی زهرا بود و هر جا که می‌رفت مانند چراغی اطراف خود را روشن می‌نمود.

این جمله‌ای است که حضرت در پاسخ به یکی از سوالات محمود بن لبید از زبان پیامبر فرموده اند: «عَلَى خَيْرٍ مَنْ أَخْلَفَهُ فَيْكُمْ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي» پیامبر

۱. محمود بن لبید اینگونه روایت می‌کند که: «وقتی پیامبر از دنیا رفت، حضرت زهرا روزهایی را به مزار شهدای احد و قبر حضرت حمزه می‌رفت و می‌گریست. روزی به خدمت شان رفتهم و گفتم از گریه‌های شما قلبم به درد آمد و سوالاتی را از حضرت پرسیدم که یکی از مهم‌ترین آنها این بود: قُلْتُ هَلْ نَصَّ رَسُولُ اللَّهِ ص قَبْلَ وَفَاتِهِ عَلِيٌّ بِالْإِمَامَةِ؟ عرض کردم: ای رسول خدا پیش از مرگش به امامت علی علیه السلام تصریح کردند؟ قَالَتْ وَآ عَجَبًا أُنْسِيْتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ. حضرت فرمود: بسیار عجیب است! ای روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟ قُلْتُ قَدْ كَانَ ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَخْبِرِينِي بِمَا أَسْرَّ إِلَيْكَ: عرض کردم: بلی واقعه غدیر خم صحیح است، ولی به آنچه در پنهانی رسول خدا به شما خبر داده مرا آگاه فرما. قَالَتْ أَشْهَدُ اللَّهَ تَعَالَى لَقَدْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَلِيُّ خَيْرٌ مَنْ أَخْلَفَهُ فَيْكُمْ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَ سِبْطَايَ وَ تَسْعَةَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَيْمَهُ أَبْرَأُ لِيْنِ اتَّبَعْتُمُوهُمْ وَ جَدْتُمُوهُمْ هَادِيْنَ مَهْدِيْنَ وَ لِيْنِ خَالَفْتُمُوهُمْ لِيَكُونِ الْإِخْتِلَافُ فَيْكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (حضرت فرمودند: خدا را گواه می‌گیرم که شنیدم (پیامبر) می‌فرمود: علی بهترین کسی است که او را پس از خود در میان شما می‌گذارم؛ و او امام و خلیفه بعد از من می‌باشد، و پدر دو سبط من است، و نه تن از صلب حسین امامان نیکوکارند، که اگر پیرویشان کنید ایشان را راهنمایانی هدایت‌کننده و هدایت شده می‌یابید، و اگر مخالفتشان کنید اختلاف تا روز قیامت در میان شما باشد.



بارها و بارها فرمود که علی برترین مردم است و جانشین او، اما جریان نفاق با انکار این مطالب ادعا کردند که پیامبر اصلاً جانشینی تعیین نکرده و فقط میخواست به گوید علی دوست من است. قوت استدلال و منطق مجکم آن هر شنونده‌ای را اقناع می‌کند و او را تسلیم می‌سازد. این بیان صریح پیامبر ﷺ که برتری امیرالمومنین را ثابت می‌کند، دیگر جای هیچ بحث و سخنی نمی‌گذارد که بگوییم در این عبارت امام و خلیفه به معنای دوست است! شما تصور کنید که پیامبر، این همه جمعیت را در روز غدیر برای ابراز دوستی و محبت به امیرالمومنین نگه داشتند. اینکه توهین به رسول الله است، چرا برای بزرگ کردن چهره‌ی افرادی به پیامبر توهین می‌کنید؟

دومین گفتگویی که از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده، صحبت ایشان با ام سلمه است که پس از جریان هجوم به خانه اهل بیت و صدمه دیدن حضرت اتفاق افتاده فلذا این حرف‌ها در روزهای پایانی عمر شریف صدیقه‌ی طاهره مطرح شده است. ام سلمه می‌گوید به حضرت عرض کردم: ای دختر رسول خدا! چگونه شب را به صبح آوردی (چگونه هستی؟) حضرت فرمودند: «صبح کردم درحالی که خود را بین دو حالت افسردگی و گرفتاری می‌بینم: یک فراق پدر و دو ظلمی که بر وصی رسول خدا رفته است. به خدا سوگند! به حریم امامت و ولایت توهین کردند و هتك حرمت



نمودند. انگیزه ی اینها در غصب خلافت جز کینه‌هایی که از امیرالمؤمنین در دلها داشتند نیست. کینه‌هایی که از جنگ بدر و أحد در قلبهای منافق پنهان شده بود.» این بخشی از کلام صریح و روشن حضرت زهراست که علت اصلی دشمنی جریان نفاق با امیرالمؤمنین را بیان می‌کند.

نعوذ بالله کسی نگوید که حضرت دنبال به قدرت رساندن شوهر خود بود! نه، حضرت میخواستند امت اسلامی را از گمراهی نجات دهند و نگذارند زحمات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هدر برود. حضرت میخواستند جلوگیری کنند از افتادن حکومت جامعه اسلامی به دست شرابخواری مانند یزید.

این گفتگوها و صحبت‌ها چیزی جز دفاع از ولایت نیست. اصلاً فاطمیه یعنی دفاع از ولایت. در این فتنه ی اخیر چه توهین‌ها و جسارت‌هایی که به ولی فقیه کردند! کسی که حضرت آیت الله حسن زاده آملی فرمودند: «گوش تان به دهان رهبرمعظم انقلاب باشد که گوش ایشان به دهان امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فرجه الشریف است.» دشمن وقتی می‌بیند این رهبر حکیم و شجاع، با عنایت حق تعالی، تمام برنامه‌ها و طرح‌های آنان را خنثی می‌کند مجبور می‌شود که اینچنین عقده‌گشایی کند. کشر ما اگر این رهبر بصیر را نداشت قطعاً مانند سوریه و کشورهای جنگ زده دیگر باید زندگی می‌کردیم. قدر نعمت عظیمی را که خداوند متعال به ما عطا نموده است را بدانیم. پروردگارا طول عمر باعزت به



رهبر ما حضرت امام خامنه‌ای عنایت بفرما. فاطمیة میدان دفاع از ولی و امام جامعه است.

۴- دفاع از جان امام

حرکت هوشمندانه‌ی دیگری که حضرت زهرا علیها السلام در برابر جریان نفاق انجام دادند، آمدن به پشت در خانه برای مانع شدن از ورود آنها به داخل خانه و بیعت گرفتن از امیرالمومنین علیه السلام بود. برنامه‌ی آنها این بود که میرویم به در خانه‌ی علی؛ اگر بیرون آمد و بیعت کرد که هیچ، اگر بیرون نیامد او را به زور بیرون می‌آوریم. اصلاً فکرش را هم نمی‌کردند که حضرت زهرا علیها السلام پشت در بیاید.^۱ طبق قرائن این اتفاق حدود پنجاه روز پس از رحلت پیامبر رخ داده و نقل قول‌های دیگر بسیار ضعیف می‌باشند.^۲ تا آن زمان امیرالمومنین علیه السلام با خلیفه بیعت نکرده بودند و عده‌ای از مخالفان خلیفه نیز در منزل آن حضرت تحصن کرده بودند.^۳ جریان نفاق می‌دانست که اگر حضرت بخواهد برعلیه

۱. طبق نقل‌های تاریخی وقتی حضرت به پشت در آمدند، محاصره کنندگان خانه‌ی امیرالمومنین مجبور به بازگشت به مسجد شدند و پس از بیان ماجرا برای خلیفه، ملعونی آشفته شد و گفت خانه را با فاطمه به آتش بکشید و خودش نیز شعله‌ی آتشی را در دست گرفت و روانه‌ی خانه‌ی حضرت شد.

۲. عده‌ای قائل اند که تنها سه روز پس از رحلت پیامبر به خانه‌ی حضرت زهرا هجوم برده شده و فرزندشان سقط شده است. از جمله مهمترین قرائن بر ضعف این قول میتوان به: ۱- در خطبه‌ی فدکیه آمده که حضرت مانند پیامبر و با اقتدار راه می‌رفتند ۲- در خطبه‌ی فدکیه اشاره‌ای به این حمله نشده است ۳- حضرت دو روز در هفته به مزار شهدای احد می‌رفتند که فاصله داشته است با منزل شان و...

۳. تنام دوازده نفر نقل شده است. (خصال شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۶۱)



شان قیام کند کارشان تمام است، فلذا به تکاپو افتادند تا این تحصن را بشکنند. این اولین باری بود که به سمت خانه‌ی اهل بیت لشکرکشی می‌کردند و با اقداماتی توانستند تحصن کنندگان را از خانه خارج کرده و دستگیر کنند.^۱ دیگر فقط زهرا برای علی مانده بود. این جریان نفاق یکبار دیگر هم به خانه اهل بیت حمله کردند که این بار برای زهرچشم گرفتن از مردم بود که مبادا با علی بیعت کنید و با او همراه شوید. اما هدف اصلی آنها این بود که از علی بیعت بگیرند. پس برای بار سوم به در خانه‌ی اهل بیت لشکرکشی کردند. خانه‌ای که پیامبر هر روز از جلوی آن رد می‌شد به اهل بیت سلام می‌کرد و آیه‌ی تطهیر را می‌خواند. در این خانه برترین افراد دو عالم حضور داشتند. تا زهرا فهمید که برای بردن علی آمده اند به پشت در آمد و مانع شد. در دفاع از ولایت، جان امام مهمتر از جان بقیه است. فلذا حضرت خود را فدایی امامش کرد و به پشت در آمد. روضه‌ی اتفاقاتی که افتاد را خواهیم خواند اما در پایان منبر یک مورد دیگر از اقدامات حضرت زهرا علیها السلام را عرض کنم.



۱. البته در نقل‌های تاریخی آمده است که وقتی خانه را محاصره کردند حضرت زهرا به تحصن کنندگان دستور دادند تا از خانه خارج شوند و آن‌ها هم که دوازده نفر بودند خارج شدند. طلحه شمشیر کشید تا با آنها بجنگد اما در نهایت تسلیم شد و همگی را اسیر کردند.

۳- سیادت زنان مدینه از حضرت زهرا

پس از جراحت شدید حضرت زهرا علیها السلام پشت در خانه، عده‌ای مردم مدینه برای جویا شدن از احوال آن حضرت به خانه ایشان آمدند. حضرت در اینجا نیز علم تبیین را به دست گرفتند و طوفانی را در برابر فضا سازی جریان باطل به پا کردند: «وای بر آنها، به چه علت خلافت را از مقر اصلی و پایگاه رسالت و محل نزول امین وحی و از آن کسی که خبره و آگاه به امور دنیا و آخرت بود، دور ساختند؟ این زیان و خسران بر همه آشکار است.» حضرت با این سوال علت اصلی قیام و ایستادگی خود در برابر جریان نفاق را بیان کردند. سپس عامل اصلی غصب حق امیرالمومنین را اینگونه توضیح دادند: «چه عاملی سبب شد که با ابی الحسن علیه السلام انتقام جویانه برخورد کنند؟ به خدا سوگند به خاطر شمشیر بُرنده‌اش که باطل برانداز بود، انتقام گرفتند. به خاطر اینکه او نسبت به مرگ بی اعتنا بود و سرسختانه باطل را لگدکوب می‌کرد و در برخورد با دشمنان سخت‌گیر بود و آنان را مجازات می‌کرد و در راه خدا و برای خدا سخت‌کوش و سهمگین بود.»

این کلام از شمشیر زدن هزاران مرد جنگی اثرگذارتر است. غباری را که فکر و اندیشه‌ی مردم آن روز را احاطه کرده بود از بین برد و حقایق را آشکار ساخت. در پایان هم نسبت به فتنه‌ها و خطراتی که با غصب خلافت، جامعه‌ی اسلامی را



تهدید می‌کرد هشدار دادند: «اکنون آماده حوادث ناگوار و منتظر شمشیرهای برنده و هرج و مرج دائم و دیکتاتوری ستمکاران باشید. بیت المال شما را غارت خواهند کرد و منافع شما را به جیب خواهند ریخت. وای به حال شما چرا این چنین شدید؟ نمی‌دانید در چه مسیر خطرناکی افتاده اید از عواقب امور بیاطلاع هستید. آیا می‌توانیم شما را به هدایت مجبور کنیم در حالی که خودتان از آن کراهت دارید.»^۱

این سخنان صریح و نافذ حضرت زهرا (علیها السلام) چنان بر روی زنان اثر گذاشت که پس از بازگشت به خانه‌های، از شوهران شان درخواست کردند تا در مقابل جریان سقیفه بایستند و با امیرالمومنین (علیه السلام) بیعت کنند. حضرت زهرا (علیها السلام) حتی در بستر بیماری هم با کلام خودشان، به مقابله‌ی با جهل مردم و جاه طلبی منافین رفتند و اثرگذار هم بود. چند روز بعد با توجه به فضایی که در مدینه بوجود آمده بود، خلیفه‌ی اول و دوم چاره‌ای نداشتند جز اینکه به دلجویی از حضرت زهرا (علیها السلام) بیایند. البته آنها به دنبال این بودند که مشروعیتی را نیز به حکومت خود بدهند و بگویند که ما از دختر پیامبر عیادت کردیم و او ما را بخشیده است. اما حضرت زهرا (علیها السلام) درخواست آنها را رد نمودند و آنها متوسل به علی بن ابی طالب شدند. با وساطت حضرت اذن عیادت داده شد اما در



۱. بحارالأنوار: ج ۴۳، ص ۱۶۰ / احتجاج طبرسی: ج ۱، ص ۱۴۷ / شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۶، ص ۲۳۳

این دیدار هم بانوی دو عالم آنها را رسوا کردند. حضرت از آن دو نفر سوال کرد که آیا این حدیث از پیامبر است که فرمود: «خشنودی فاطمه علیها السلام خشنودی من، و خشم فاطمه علیها السلام خشم من است، هر که دخترم فاطمه علیها السلام را دوست بدارد، مرا دوست داشته، و هر که فاطمه علیها السلام را خشنود سازد، مرا خشنود ساخته، و هر که فاطمه علیها السلام را خشمگین نماید، مرا خشمگین نموده است.» گفتند آری. سپس حضرت فرمود: «من هم خدا و فرشتگان را گواه می‌گیرم که شما دو نفر مرا خشمگین نمودید و خشنودم نساختید، و چون پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاقات نمایم، حتماً از شما به او شکایت خواهم نمود...»^۱ اینگونه باید در دفاع از امام قدم برداشت؛ استوار و محکم.

رفتار سازی

فاطمیه دوره‌ی آموزشی ولایتمداری و پا در رکاب امام بودن است. حضرت زهرا علیها السلام یاد می‌دهد که باید در راه دفاع از امام چه با بیان و چه با اشک و گریه و چه با فداکردن جان به میدان آمد و ولی را تنها نگذاشت. هرکس به هر نحوی که میتواند باید پای کار امام بیاید. من در هر شغلی که هستم و هر وظیفه‌ای که به عهده دارم باید خودم

۱. در این هنگام، ابوبکر پیش آمد و گفت: ای فاطمه علیها السلام! پناه می‌برم به خدا از اینکه مورد خشم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تو باشم و بعد شروع کرد به گریستن!

در این هنگام حضرت فاطمه علیها السلام مرتب خطاب به ابوبکر می‌فرمود: «وَاللَّهِ لَأَدْعُوَنَّ اللَّهَ عَلَيْكَ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ أُصَلِّيْهَا : به خدا قسم! من در هر نمازی که می‌خوانم، تو را نفرین می‌کنم.» سپس آن دو نفر از خانه‌ی حضرت خارج شدند. (بحار الأنوار مجلسی، ج ۲۹، ص ۶۲۷)



را به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام گره بزنم. مثلاً منی که درس میخوانم و دانش آموزم، به نیت خدمت به کشور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و پیشرفت و افزایش قدرت نظامی که متعلق به حضرت است تحصیل کنم. یا کسی که میوه فروشی دارد یا بقالی، به اندازه‌ی توان خودش به اسم امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام به محرومان کمک کند. فرزندان مان را نذر حجت بن الحسن کنیم و برای سربازی او آماده شان کنیم. جامعه‌ای را امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام دوست دارد که هرکسی به فکر همسایه و اطرافیان خودش باشد و غم و گرفتاری هایشان را حل کند نه اینکه فقط فکر منافع شخصی خودش باشد. بعد از هرکاری از خودمان پرسیم که حضرت چقدر از این کار ما راضی یا ناراحت شدند؟ امام زمان را بر تمام کارهایمان ناظر و شاهد بدانیم. در سختی‌ها و رنج‌ها به ایشان متوسل شویم. ما کسی را به جز امام زمان نداریم، او هم بین این همه آدم روی کره زمین، کسی را به جز ما ندارد.

روضه

اما چه کردند با خانه‌ای که علی و فاطمه در آن بودند؟
 فَجَمَعُوا الْحَطَبَ؛ هیزم آوردن چه هیزمی، فَجَمَعُوا الْحَطَبَ
 الْجَزَلَ عَلَى بَابِنَا؛ معمولاً ما جزل به معنای کثیر معنا می‌کنیم
 و رد میشیم، یعنی هیزم زیادی رو آوردن دم خانه من اما این
 غلطه، جزل یعنی هیزمی آوردن که به زودی خشک نشه و



از بین نره، یعنی ساعت‌ها در این آتش این هیزم بسوزه؛
 فَجَمَعُوا الْحَطَبَ الْجَزَلَ عَلَى بَابِنَا لِيُحْرِقُوهُ وَيُحْرِقُونَا؛ یعنی
 هم خونمونو بسوزونن هم خودمونو بسوزونن. باورم نمی
 کردم که اینا بدون اجازه وارد بشن، لذا وقتی با استفهام
 سوال کرد واقعا میخوای خونمونو بسوزونی؟ نانجیب یه
 جوابی داد؛ گفت هَذَا مَا جَاءَكَ الَّذِي بِهِ أَبُوكَ يَعْنِي فَاطِمَةَ
 مگه بابات نگفت: لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛
 اومدم مزد موَدّت رو بهت بدم، الله اکبر، عجب جسارتی
 کرد. امام صادق قریب به صد و ده سال بعد از شهادت
 مادر به مُفَضَّل فرمود: اگر چه کربلا برای ما بالاترین غم و
 محنته، اما اون روزی که در خونهُ مادرم رو سزوندن اون ریشه
 همه مصائب و فتنه هاست، اون به مراتب سخت تر و تلخ
 تر از کربلاست.

ریختند و وحشیانه با لگد در را زدند

عده‌ای هم جای در... پهلوی مادر را زدند

عده‌ای هیزم به دست و عده‌ای هم با غلاف

بی هوا آتش به پا کردند و هی در را زدند

لشکر حیدر جلوی لشکری صف می‌کشد

این اراذل بی ترحم رکن لشکر را زدند

بوی سیب فاطمه از بوسه‌های مصطفی است

گرگ‌ها از ریشه این سیب معطر را زدند



فاطمه گوهر ولی دیگر صدف در کار نیست
 باز کردند آن صدف را وای گوهر را زدند
 ریشه‌ی دین سوخته، افتاده ساقه بر زمین
 آمدند و غنچه‌ای که گشته پرپر را زدند
 قنقد و م شمار باهم کارشان را کرده اند
 از جهات مختلف این یاس حیدر را زدند
 همین قدر بگم بلایی به سرش آوردن که دیگه این روزا
 از بستم نمی تونست بلند بشه؛ حتی برا خواندن نماز،
 دستور داد بسترش رو کنار دیوار پهن کنن یعنی برای هر
 نشست و برخاستی فاطمه از دیوار کمک می‌گرفت.
 پنجاه سال بعد کربلا هم اون نانجیب دستور حمله به
 خیمه‌ها رو که داد، گفت خیمه رو با اهلش بسوزونید، اگه
 امر زین العابدین بر فرار از خیمه‌ها نبود این هشتاد و چهار
 زن و بچه زنده زنده تو خیمه می‌سوختن... ناله بزنی یا حسین



